Share Twittern

عارف حامی ۰۴/۰۷/۲۰۱۴

پرسش هایی در رابطه به انتخابات، بحران انتخاباتی و آیندهٔ کشور

در رابطه به انتخابات، بحران انتخاباتی و آیندهٔ کشور، تشویش ها، پیش گویی ها و نظریه پردازی هایی صورت می گیرد، که قسماً از احساسات، قسماً از اغراض قومی، سمتی، مذهبی و ... و قسماً هم از عدم درک نادرستی، که نتیجهٔ عدم تحلیل علمی و همه جانبهٔ واقعیت ها می باشد، ناشی می شوند. متأسفانه بسیاری انسانها در رابطه به مسائل و موضوعات، دگم ها و کلیشه های از قبل آماده شده دارند و تلاش می کنند، که واقعیت ها را در حیطهٔ تنگ این کلیشه ها بگنجانند. آنها بجای آنکه فکر خود را با واقعیت های عینی منبطق نمایند و حقایق را در واقعیت ها جستجو نمایند، با اتکا بر یادگرفته ها، تمایلات ذهنی، فرقه ای و ... شعارها و منافع این یا آن گروه اتنیکی و یا این یا آن کشور استعماری را بجای واقعیت قرار میدهند. من طی این نوشته نمیخواهم نظرات خودم را بیان نمایم، بلکه سعی می کنم، پرسش هایی را در رابطه به واقعیت ها مطرح نمایم، تا مگر دانشمندان، صائب نظران و روشنفکران کشور ما، در زمینه پس از تحقیق علمی، همه جانبه و فارغ از احساسات و تمایلات شخصی پاسخ هایی را مطرح نمایند.

۱ – پرسش اساسی اینست، که بطور کلی آیا سر رشتهٔ فعل و انفعالات در میهن ما، در دست افغانهاست و یا در دست کشورهای بیگانه؟

آیا سرنوشت کشور بدست گروهای سیاسی و شخصیت های افغانیست و یا از دست افغانها برآمده و کشورهای بیگانه نقش تعیین کننده دارند؟

سوال اینست، که آیا کشورهای بیگانه ایکه با ارتش ها و عساکر شان برهبری ایالات متحدهٔ امریکا در کشور ما حضور دارند، در ۱۳ سال گذشته در کشور بیچاره و ویران ما در حدی کار کرده اند، که کشور ما بتواند از درآمد ملی و بدون کمک کشورهای بیگانه حتی مصارف اردوی ملی، پلیس ملی و سائر ارگان های دولتی را تکافو نماید؟ اگر کرده اند، در کدام مورد؟ و اگر نکرده اند، چرا؟ آیا آگاهانه چنین کرده اند و یا به حکم طرفداران ایالات متحدهٔ امریکا رژیم و سرکردهٔ آن آقای کرزی بیکفایت بوده اند و از کمک های سخاوتمندانهٔ کشورهای غربی نتوانستند استفاده نمایند؟ آیا براستی می شود باور کرد، که آیالات متحدهٔ امریکا و متحدینش نمی توانستند در ۱۳ سال گذشته، همانطوریکه در دوران رقابت بین دو ابرقدرت در کوریای جنوبی، مالیزیا، سنگاپور و ... سرمایه گذاری کرده و آن کشورها را صنعتی ساختند، در کشور ما هم سرمایه گذاری کرده، در صنعتی کردن کشور ما نقش بسزایی ایفا نمایند؟ آیا نظر مسئوول نیروهای آلمانی درست نیست که گفته بود، که من به امریکایی ها پیشنهاد نمودم، که جلو کشت کوکنار و تولید مواد مخدر را بگیریم. امریکایی ها گفتند، که این یک زمینهٔ نسبتاً خوب درآمد برای افغانهاست و اگر جلو آن را بگیریم، الترناتیفی وجود ندارد. من پیشنهاد نمودم، پس ما اروپایی ها، شما، کانادایی ها و دیگران هر کدام در بخش های مختلف صنعتی سرمایه گذاری می کنیم، که الترناتیفی بوجود آید. امریکایی ها گفتند، که هنوز شرایط همچو یک کاری مساعد نیست. ولی واقعیت اینست که امریکایی ها در تولید مواد مخدر دست دارند و خواهان جلوگیری از آن نیستند. آیا این گفتهٔ مسئوول نیروهای آلمان با واقعیت های کشور ما و فعل و انفعالات ۱۳ سال گذشته مطابقت نمی کند؟ آیا واقعیت ها و فعل و انفعالات در کشور ما مصداق آن نیست، که حوادث مشابه عراق را در کشور ما نیز برای بهم انداختن مردم و آماده ساختن تجزیهٔ کشور ما مساعد می سازند؟ در عراق امریکایی ها وقتی رژیم صدام را سرنگون کردند، نه تنها هیچ سرمایه گذاری ای در آن کشور نکردند، بلکه بسیاری از سرمایه گذاری های خود عراقی ها را در زمینهٔ صنعت و غیره نیز نابود نمودند، در کشور ما نیز از زمان سقوط رژیم داکتر نجیب الله عوامل تنظیمی ایالات متحدهٔ امریکا تمام هست و بود کشور را مخروب نمودند، آیا این مشابهت عمدیست و یا تصادفی؟ آیا کشور عراق و افغانستان را به این حد ضعیف و ناتوان ساختن برای این نیست، که تجزیهٔ آنها را سهل سازند؟ در عراق امریکایی ها از یکسو کردها را مستقل، مسلح و تقویت نمودند، از جانب دیگر شیعه های عراق را بر اریکه ی قدرت نشاندند و از جانبی هم در همان زمان حضور شان بنیادگرایان سنی و القاعده را تقویت کردند. این به مفهوم واقعی ایجاد مراکز قدرت برای تجزیهٔ عراق در آینده برآمدن از عراق نبود؟ در کشور ما نیز با تقویت ائتلاف شمال از یکسو، بوجود آوردن رژیم دلقک کرزی از سوی دیگر و تقویت گروه طالبان از جانبی مراکز مختلف قدرت را بوجود آوردند، این هم آیا زمینه سازی برای بهم انداختن ملت ما نیست؟ تشابه این واقعیت با عراق آیا تصادفیست؟ آیا در کشور ما نیز نمی خواهند زمینه را برای تجزیهٔ کشور مساعد سازند؟ در عراق مالکی را در نتیجهٔ انتخابات فرمایشی پیروزمند از آب در آوردند و کردها و سنی ها را ناراض ساخته و بعداً قبول نتائج انتخابات تحریک کردند. البته که مالکی به اکثریت شیعهٔ عراق بستگی داشت. آیا در کشور ما نیز پیروزی داکتر اشرف غنی و عدم قبولی نتائج انتخابات از جانب عبدالله عبدالله شباهت تصادفی به وقایع انتخابات عراق دارد؟ پرسش آخری درین رابطه اینست،

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

که وقتی ایالات متحدهٔ امریکا می تواند، در کنفرانس بن آقای ستار سیرت را با تمام اکثریتی که داشت، به عقب نشینی وادار سازد، وقتی محمد ظاهرشاه را متقاعد می سازد، که از کاندید کردن خود در برابر کرزی منصرف شود و بالاخره در انتخابات قبلی عبدالله عبدالله را در برابر کرزی به عقب نشینی وادار می نماید، همانطوریکه جان کیری وزیر خارجهٔ ایالات متحدهٔ امریکا می گوید، که ما در انتخابات قبلی در پیروزی کرزی کمک کردیم، آیا مشکل است، که امروز همان دلقک دیروزی عبدالله عبدالله را در برابر اشرف غنی منصرف نمایند؟
۲ – من نمی خواهم ادعا نمایم، که دول پاکستان و ایران با کشور ما سر دشمنی ندارند، منتها آیا واقعاً در موجودیت ابر قدرت امریکا، روسیه، کشورهای اروپایی، جاپان، هند و چین کشور های پاکستان و ایران می توانند کشور ما را اشغال نمایند؟ آیا بزرگ جلوه دادن پاکستان و ایران از جانب ابر قدرت امریکا و عوامل آن از همان نوع بزرگ جلوه دادن عراق نیست؟

امریکایی ها و عوامل شان تبلیغ میکردند، که ارتش عراق پس از ارتش امریکا و روسیه سومین ارتش قدرت مند در جهان می باشد**!!!** آیا این تبلیغ بخاطری نبود، که دنیا و بخصوص کشور ها و مردمان منطقه را از عراق بهراسانند و کشور عراق را خطرناک جلوه دهند؟ و ما دیدیم، که ارتش درجه سوم جهان بدتر از ارتش درجه آخر جهان یک هفته هم تاب مقاومت نیاورد. آیا مرام امریکا از این بزرگ جلوه دادن از یک سو برگرداندن توجه از خطر و تجاوز و توحش خود شان نیست؟ از سوی دیگر آیا نمی خواهند با بزرگ جلوه دادن و بعد زدن همچو دولت ها فکر تسلیم طلبی در برابر دولت و ارتش خود را در مردم القاح نمایند؟ فکر انقیاد طلبی را به خورد مردم بدهند، که هرگونه مقاومت در برابر ایالات متحدهٔ امریکا بیهوده می باشد؟ آیا دولت پاکستان با تمام بوق کرنایی که برای خطرناک بودن و قدرتمند بودن آن زده می شود، می تواند بدون کمک های مالی ابر قدرت امریکا بمثابه یک دولت مزدوری، که به ملت و مردم خود تکیه ندارد، به حیات خود ادامه بدهد؟ آیا بسیار کودکانه نیست، که ایران و پاکستان را، که جزء کشورهای جهان سوم می باشند، به حدی خطرناک دانست، که قادر به اشغال کشورهای دیگر باشند؟ این فقط زمانی ممکن است، که ابرقدرت امریکا، روسیه، اروپا، جاپان، چین، هند و سائر کشورهای قدرتمند جهان نابود شده باشند، ولی آیا در آنصورت هم می شود، این دو کشور را در حدی دید، که به این حد خطرناک ثابت شده بتوانند؟ آیا خطرناک جلوه دادن ایران و پاکستان جزء همان سیاست استعماری نیست، که می خواهند در سطح منطقه کشور ها را بجان هم بیاندازند و در سطح هر کشور اقوام را؟
۳ – سگ جنگی های تنظیمی و جنگ های طلبای کرام با تنظیم های جنگی به عقیدهٔ من تا حد زیادی مردم ما را از جنایتکاران جنگی منزجر ساخته است، بگفتهٔ بسیاری هموطنان ما، مردم چه که حتی بادیگاردان شان هم در عقب شان نخواهند رفت. آیا می توان همچو یک باوری به بیداری نسبی ملت خود داشت؟ آیا شرکت تعداد قلیل افراد خریده شده در تظاهرات مصداق این ادعا شده نمی تواند؟
۴ – در نتیجه اگر واقعاً امریکایی ها مانند لیبیا، سوریه و عراق پلان، دسیسه و توطئهٔ شوم تجزیهٔ کشور و بجان هم انداختن اقوام برادر ملت افغان را داشته باشند، در آنصورت آیا جانبداری از امریکا و افشاء نکردن دسایس شوم شان خیانت ملی به کشور نمی باشد؟ با نادیده گرفتن خطر امریکا و بزرگ جلوه دادن پاکستان و ایران توجه ملت و مردم خود را آیا از جهت اصلی آن منحرف نمی سازیم؟ و به این طریق آب به آسیاب دشمن اصلی، خطرناک و بالفعل کشور و ملت خود نمی ریزیم؟ در صورتی که هدف امریکا بهم انداختن اقوام برادر افغان و تجزیهٔ کشور ما باشد، آیا به نفع کشور و ملت ما نیست، که مردم را به خطر اصلی متوجه ساخته و تلاش خود را در راه وحدت ملی و برادری اقوام برادر افغان بخرج دهیم؟ آیا حمایت بسیاری از روشنفکران سطحی نگر و احساساتی ما چه از عبدالله عبدالله و چه هم از اشرف غنی بر بنیاد قوم پرستی استوار نیست؟ آیا واقعاً همهٔ طرفداران اشرف غنی بخاطر دانشمند بودن او از او حمایت می نمایند؟
من از تمام هموطنان عزیز خود خواهش می کنم، که به پرسش های بالا اولاً تحقیق کرده، عاملانه و عامدانه پاسخ بگویند. ثانیاً فارغ از هرنوع احساسات، قومی، مذهبی، سمتی، گروهی و ... منافع علیای ملی را مد نظر گرفته به پاسخ پرسش ها بپردازند. چرا که در همچو موقع حساس، باریک و خطرناک فقط تحت تأثیر میدیای این یا آن قدرت منطقوی یا جهانی و یا بروی کلیشه های از قبل آماده به سراغ یافتن راه بیرون رفت از بن بست و بحران، زدن تیشه با دست خود به پای خود می باشد و تأریخ هرگز ما را نخواهد بخشید.
سربلند باد ملت سربلند افغانستان**!**
مستقل و سرافراز باد کشور به جان برابر ما!

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ